

## بررسی عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر توسعه مدیریت مشارکتی روستایی (مطالعه موردی: روستای پسیخان شهرستان رشت استان گیلان)

محسن قربانزاد کهنه سری<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

mohsenghorbanzad@yahoo.com

### چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر توسعه مدیریت مشارکتی روستایی می باشد. امروزه بیشتر صاحب نظران توسعه به ویژه توسعه روستایی معتقدند که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت آحاد مردم در فرآیند مدیریت ممکن نیست و با مشارکت مردم و توسعه مدیریت مشارکتی این فرایند قابل اجرا، تسهیل و کم هزینه تر می شود، چراکه مشارکت های مردمی شرط اصلی موفقیت برنامه ها می باشند. این تحقیق از روش معیاری و از نوع مطالعات کاربردی و روش تحقیق حاضر نیز، توصیفی- تحلیلی - ترکیبی است. گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی، میدانی، پرسشنامه و مصاحبه انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل خانوارهای روستای پسیخان شهرستان رشت استان گیلان می باشند که در سال ۱۳۹۶ دارای ۱۲۲ خانوار و جمعیت این روستا برابر با ۵۰۳ نفر بوده و حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۲۲۵ نفر محاسبه گردیده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات هم با استفاده از آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی آزمون T می باشد. نتایج تحقیق نشان داد که بهتر شدن اوضاع اقتصادی روستاییان، میزان مشارکت آن ها را در فرایند توسعه مدیریت مشارکتی روستایی افزایش می دهد.

**واژگان کلیدی:** مدیریت، مدیریت مشارکتی روستایی، عوامل اقتصادی، توسعه

امروزه در همه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجرایی، زیربنایی و ... در راستای توسعه یک سرزمین، مدیریت و اعمال روش های مدیریتی اجتناب ناپذیر است. مدیریت را این گونه تعریف کرده اند: «مدیریت» فرآیندی است که بوسیله آن کوشش های فردی و گروهی به منظور نیل به هدف مشترک هماهنگ می شود (آسایش و همکاران، ۱۳۸۷). مدیریت مهم ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند. زمانی که بحث مدیریت و توسعه به میان می آید، یکی از مهم ترین جهات آن و شاید اولین جهتی که ذهن شنونده را به خود جلب نماید بحث توسعه اقتصادی باشد (رحیمی، ۱۳۹۱). امروزه توسعه روستا یا هر نظام سکونت گاهی دیگری در مقایسه با گذشته پیوند گسترده تری با مفهوم مدیریت یافته است. در انگاره جدید مدیریت روستایی نقش نهادهای محلی و مشارکت روستاییان مورد تأکید قرار گرفته است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۳). نظام مدیریت روستایی در ایران چند قرن سابقه دارد و طی سالیان طولانی به لحاظ ساختارهای اجتماعی، تحولات و دگرگونی های پیچیده ای داشته و بررسی این سابقه از یک سو حاوی نکات قابل توجه در روش های اداره روستاها است و از سوی دیگر متأثر از تجربیات گذشته است. متأسفانه خلاء مدیریت کارآمد و اصولی در روستاها در تمامی این ادوار به خصوص تا سال ۱۳۴۰ و در دهه های اخیر مشکلات عدیده ای را برای روستاییان ایجاد نموده است و نیاز به یک مدیریت صحیح برای اداره روستاها است. مدیریت روستایی عبارت از نهادینه سازی و تحقق مشارکت مردمی در مدیریت امور مربوط به خود است. به عبارت دیگر مدیریت روستایی به معنی برنامه ریزی برای روستا، سازمان دهی برای اقدامات توسعه ای، هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده می باشد (لطیفه و همکاران، ۱۳۹۱).

دولت ها برای مدیریت روستاها، رویکردی توسعه ای با مشارکت مردم را برای اداره مناطق روستایی اتخاذ کرده اند (Chambers, 1999). بنابراین با توجه به ارتباط تنگاتنگ میان واژه مدیریت و توسعه، می توانیم بگوییم برای دست یابی به توسعه در ابعاد مختلف آن دست یابی به مدیریتی همه جانبه برای انتظام بخشی به سکونت گاه های روستایی از ضروریات غیر قابل انکار به شمار می رود. در واقع همگام با تحولات ساختاری اقتصادی- اجتماعی سکونت گاه های روستایی در دهه های اخیر، مدیریت روستایی نیز با دگرگونی هایی همراه شده است. مدیریت روستایی فرایند چند جانبه ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات، سازمان های روستایی و برنامه ها و طرح های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳). مدیریت روستایی، تلفیق و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی و اقتصادی در جامعه روستایی است که چند دهه پیش، به عنوان اساس اقتصاد کشور و تأمین کننده منابع خزانه کشور تعریف می شد (آسایش و همکاران، ۱۳۸۷).

در واقع فرایند سازماندهی، هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان ها و نهادها است. این سازمان ها و نهادها وسایل تأمین هدف های جامعه روستایی می باشند. فلسفه اساسی شکل گیری حکومت های محلی و مدیریت روستایی عبارت از نهادینه سازی و تحقق مشارکت مردمی در مدیریت امور مربوط به خود است. به عبارت دیگر مدیریت روستایی به معنی برنامه ریزی برای روستا، سازمان دهی برای اقدامات توسعه ای، هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده می باشد؛ بطوری که فرآیند توسعه پایدار روستایی را به نحوی تقویت نماید که در سطح متعارف جامعه و محیط مناسبی برای زندگی راحت تر و کارآمدتر روستاییان، به تناسب ویژگی های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود (بدری و همکاران، ۱۳۸۸). در توسعه مدیریت روستایی پرداختن به جایگاه و نقش مدیریت در توسعه روستایی الزامی است. روستاها به منزله مکان هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت هایی متفاوت نسبت به شهرها نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی حاکم بر روستاها هستند. هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می آید ممکن است لزوماً مدیریت اندیشیده شده و برنامه ریزی شده نباشد، به عبارتی نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین کننده است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶). مدیریت توسعه روستایی حائز اهمیت فراوانی است؛ زیرا در فرآیند توسعه روستایی یک پارچه و پایدار نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازماندهی جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان ها است (عبداللهیان و همکاران، ۱۳۸۵). توسعه روستایی به مثابه راهبردی با اهمیت برای تأمین نیازهای اساسی و توزیع بهینه منافع ناشی از توسعه ملی تلقی شده است. بسیاری بر این باورند که عمران روستایی مقدمه ای برای توسعه روستایی می باشد و

مدیریت مشارکتی می تواند یکی از الگوهای رسیدن به توسعه روستایی باشد و راهکار ایجاد شوراهای اسلامی روستایی به عنوان یک واحد مدیریت محلی وسیله ای برای دستیابی به توسعه روستایی و در نهایت توسعه ملی است (پیران، ۱۳۸۷).

## ادبیات و پیشینه پژوهش

تحقیقات بسیاری درباره مدیریت و مدیریت روستایی انجام گرفته است. (Escap, 2002)، در تحقیقی بیان داشت که در برنامه توسعه روستایی موفق، عوامل بیرونی اغلب به صورت تسریع کننده -تسهیل گر برنامه ها به کار گرفته می شوند، زیرا از این عوامل می توان در همه جنبه های فعالیت برنامه ها به ویژه رشد آگاهی ها، تامین منابع مالی، ضمانت اجرایی و ... استفاده کرد. (Al. Ahmad, 1996)، نیز در تحقیقی عنوان کرد که با توجه به اینکه بخش اعظمی از جمعیت کشورها در روستاها زندگی می کنند، اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد این کشورها بر کسی پوشیده نیست. کارشناسان و دست اندر کاران امر، تحقق این مهم را پیش از هر چیز در گرو توسعه منابع انسانی می دانند. روستاییان زمانی کاری را از آن خود می دانند و در انجام آن مسئولیت و تعهد می پذیرند که در طرح آن مورد مشورت قرار گرفته و یا در جریان برنامه ریزی و مراحل آن فعالانه شرکت کرده باشند. تجارب کاری متعدد با روستاییان نیز مبین اهمیت این موضوع است که توفیق در انجام کاری بدون مشارکت و لحاظ کردن نظرات آنان، هرگز به طور نهایی و کامل تحقق نیافته است. (Dorner, 2000) نیز در تحقیقی که در رابطه با مدیریت انجام داد عوامل اقتصادی موثر در توسعه مدیریتی را، بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر ضروری است معرفی نمود. همچنین بیان داشت که تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه مدیریت همراه است. در کشورمان نیز تحقیقاتی در این زمینه انجام گرفته است. (رحیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان بررسی عملکرد مدیریت جدید روستایی در توسعه روستا انجام دادند و نتایج آن ها نشان داد که ارتباط تنگاتنگی میان مدیریت و توسعه وجود دارد و برای دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف آن، مدیریتی همه جانبه برای سکونت گاه های روستایی ضروری است. (لطیفه و همکاران، ۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان جایگاه مدیریت نوین روستایی در برنامه های توسعه به این نتیجه رسیدند که شوراهای اسلامی روستاها در افزایش مشارکت مردمی و در حل مسایل محلی روستاها و فعالیت های عمرانی از جایگاه مطلوبی برخوردارند و برای توسعه روستاها هماهنگی شوراهای اسلامی، دهیاری ها و جلب مشارکت مردم لازم و ضروری است. در تحقیقی دیگر (رحیمی، ۱۳۹۱)، در ارزیابی و تحلیل تجارب مدیریت روستایی عنوان کرد که مدیریت مهم ترین عامل در حیات یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند و در این میان توجه به روش های اداره روستاها حایز اهمیت است و مدیریت روستایی باید بر محور بینش روستاییان و جامعه روستایی استوار گردد. (نیک نامی و همکاران، ۱۳۹۰)، نیز در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که توسعه و سامان دهی فعالیت های شغلی از جمله وظایفی است که باید توسط تعاونی های روستایی به لحاظ اقتصادی و با بهره گیری از فرصت های شغلی در تعاونی ها انجام گیرد. این تحقیقات نشان می دهند که روستاها به منزله مکان هایی خاص با شیوه زندگی و فعالیت هایی متفاوت نسبت به شهرها نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی حاکم بر روستا هستند. مدیریت در مناطق روستایی کشور از گذشته دور تاکنون با بحران جدی رو به رو بوده است. در دهه های اخیر به دلیل فروپاشی نظام سنتی مدیریت در این مناطق و جایگزینی شیوه های شبه دموکراتیک که ریشه در بطن جامعه ایرانی نداشت این نظام نیمه کارآمد به شدت آسیب پذیرتر و نوعی بی هنجاری را بر نظام مدیریت روستایی کشور حاکم کرد. نگاهی به سیر تاریخی مدیریت این نکته را آشکار می سازد که شکست دولت و بازار در عرصه مدیریت در دو قرن اخیر به علت ناکارآمدی دولت و بازار بوده است. فرآیند مدیریت و برنامه ریزی روستایی نیازمند دستیابی به یک نقطه تعادل میان قدرت های موثر در آن است (رضاییان، ۱۳۸۵). با توجه به تحقیقات انجام شده نقش عوامل اقتصادی و مشارکت مردم در مدیریت روستایی بسیار مهم و حایز اهمیت است. در نتیجه پژوهشگر در این تحقیق عوامل اقتصادی تاثیرگذار بر توسعه مدیریت مشارکتی روستایی را بررسی می کند و سوال اصلی تحقیق حاضر این است که عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر توسعه مدیریت مشارکتی روستایی کدامند؟ موانع اقتصادی تاثیر گذار بر توسعه مدیریت مشارکتی روستایی کدامند؟

## روش شناسی تحقیق

گره مدیریت روستایی در ایران طی چند دهه گذشته و شاید در یک صد سال اخیر در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم ترین و حساس ترین معضل هاو چالش برنامه ریزان و متخصصین بوده است. با توجه به این که مدیریت روستایی در ایران تحت نظر سازمان ها و ارگان های متعددی همچون جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، دهیاری ها، شوراهای اسلامی و غیره می باشد، بهتر است که در کنار این سازمان ها و ارگان ها نیز بهره گیری دولت از روستاییان و نیروهای بومی متخصص و استعدادها و توانایی های نهادهای بازار و مردم صورت گیرد تا فرآیند مدیریت و برنامه ریزی روستایی به یک نقطه تعادل میان قدرت های موثر در مدیریت منجر شود که از آن با نام مدیریت مشارکتی یاد می شود. دست یابی به توسعه روستایی بدون مشارکت روستاییان غیر ممکن و یا شاید دشوار می باشد. بنابراین شناخت عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی و شناخت موانع مشارکت روستاییان روند توسعه مدیریت مشارکتی روستایی را تسهیل بخشد. روش تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق معیاری است. علت استفاده از روش معیاری این است که عنصر اصلی مدیریت انسان است و از آنجا که کنترل متغیرهای مستقلی که بر رفتار انسان تأثیر می گذارند مشکل و اغلب غیر ممکن است از این روش استفاده شده است. در بهره برداری از دیدگاه های تحقیق روش کار قیاسی است ولی تبیین نتایج به صورت استقرایی انجام گرفته است. از نظر درجه نظارت و کنترل میدانی، و از نظر ماهیت و روش به صورت توصیفی، تحلیلی می باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و میدانی صورت گرفته است. در روش کتابخانه ای با استفاده از فیش برداری از کتاب ها، مقالات و ... اطلاعات جمع آوری شده است و در روش میدانی با استفاده از پرسش نامه و مصاحبه اطلاعات جمع آوری شد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی آزمون T صورت گرفته است. جامعه آماری این تحقیق شامل خانوارهای روستای پسیخان شهرستان رشت استان گیلان می باشند که در سال ۱۳۹۶ دارای ۱۲۲ خانوار و جمعیت این روستا برابر با ۵۰۳ نفر بوده و حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۲۲۵ نفر محاسبه گردیده و برای محاسبه قابلیت اعتماد، میزان پایایی ابزار گردآوری داده ها با استفاده از آلفای کرونباخ بصورت کلی ۰/۸۶ درصد محاسبه شده است.

## یافته های تحقیق

در تحقیق حاضر، ابتدا به بررسی رابطه میان ویژگی های فردی پاسخ دهندگان و سطح مشارکت آنها پرداخته شد، سپس عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی و موانع اقتصادی تاثیر گذار بر توسعه مدیریت مشارکتی روستایی در روستای مورد نظر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. بررسی ویژگی های فردی پاسخ دهندگان نشان می دهد، میانگین سنی این افراد برابر با ۳۸/۹ سال است. ۶۷/۶ درصد پاسخ دهندگان مرد و ۲۳/۴ درصد زن هستند. از نظر سطح تحصیلات ۱۱/۵ درصد افراد بی سواد، ۷۱ درصد دیپلم و زیر دیپلم و ۱۷/۵ درصد افراد هم بالاتر از دیپلم تحصیلات داشته اند. از نظر وضعیت فعالیت ۱۸/۲ درصد افراد شاغل در بخش دولتی، ۳۹/۳ درصد شاغل در بخش کشاورزی، ۹/۱ درصد بازنشسته، ۱۲/۱ درصد بیکار و ۲۱/۳ درصد هم شغل آزاد داشته اند. تحلیل میانگین عددی حاصل از تحلیل سطح مشارکت روستاییان در فرآیند توسعه مدیریت مشارکتی روستایی نیز مبین پایین بودن سطح مشارکت روستاییان است. که بین ۱ تا ۵ و براساس طیف لیکرت در نوسان است، این میزان برای تمامی ابعاد کمتر از شرایط متوسط ۳ ارزیابی شده است. این تفاوت در سطح آلفا ۰/۰۱ معنادار است و تفاوت آنها از مطلوبیت عددی نیز به شکل منفی ارزیابی شده است و در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۱. ویژگی های فردی روستاییان

مرد: ۶۷/۷ درصد	جنسیت پاسخ دهندگان
زن: ۲۳/۴ درصد	
بی سواد: ۱۱/۵ درصد	سطح تحصیلات پاسخ دهندگان
دیپلم و زیر دیپلم: ۷۱ درصد	
بالای دیپلم: ۱۷/۵ درصد	
شاغل در بخش دولتی: ۱۸/۲ درصد	وضعیت فعالیت پاسخ دهندگان
شاغل در بخش کشاورزی: ۳۹/۳ درصد	
بازنشسته: ۹/۱ درصد	
بیکار: ۱۲/۱ درصد	
شغل آزاد: ۲۱/۳ درصد	

جدول شماره ۲. عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان (از نظر محقق)

عوامل اقتصادی	ردیف
مشارکت در اداره امور اقتصادی روستا	۱
مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی و محلی	۲
مشارکت در حل مشکلات اقتصادی روستا	۳
مشارکت در اجرای طرح های اقتصادی روستا	۴
ارائه پیشنهاد به مدیران اقتصادی	۵

جدول شماره ۳. عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی (از نظر محقق)

فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	مؤلفه ها
حد بالا	حد پایین		
- ۰/۵۶	- ۰/۸۹	- ۰/۷۲۷	مشارکت در اداره امور اقتصادی روستا
۰/۰۵	- ۰/۲۹	- ۰/۱۲۱	مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی و محلی
۰/۱۳	- ۰/۲۵	- ۰/۰۶۱	مشارکت در حل مشکلات اقتصادی روستا
- ۰/۳۴	- ۰/۶۹	- ۰/۵۰۵	مشارکت در اجرای طرح های اقتصادی روستا
۰/۰۶	- ۰/۴۲	- ۰/۲۴۲	ارائه پیشنهاد به مدیران اقتصادی

جدول شماره ۴. آزمون T تک نمونه ای

معناداری	T	میانگین	مؤلفه ها
۰/۰۰۱	- ۸/۶۱۸	۲/۲۷	مشارکت در اداره امور اقتصادی روستا
۰/۰۰۱	- ۱/۴۱۹	۲/۸۹	مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی و محلی
۰/۰۰۱	- ۰/۶۳۲	۲/۹۴	مشارکت در حل مشکلات اقتصادی روستا
۰/۰۰۱	- ۵/۸۳۲	۲/۴۸	مشارکت در اجرای طرح های اقتصادی روستا
۰/۰۰۱	- ۲/۶۸۷	۲/۷۶	ارائه پیشنهاد به مدیران اقتصادی

نتایج نشان داد که مشارکت در حل مشکلات اقتصادی روستا با میانگین ۲/۹۴ درصد بیشترین تاثیر اقتصادی در مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی را دارد و مشارکت در اداره امور اقتصادی روستا با میانگین ۲/۲۷ درصد کمترین تاثیر را در مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی را دارد.

جدول شماره ۵. موانع اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان (از نظر محقق)

ردیف	موانع اقتصادی
۱	کمبود درآمد روستاییان
۲	بیکاری روستاییان
۳	عدم بهبود وضعیت اقتصادی مردم در صورت مشارکت
۴	عدم وجود منافع مشترک اقتصادی میان مردم روستا
۵	عدم برنامه ریزی مناسب جهت توسعه اقتصادی روستاها

جدول شماره ۶. موانع اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی (از نظر محقق)

مؤلفه ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس
کمبود درآمد روستاییان	۴/۵۹	۰/۷۷۱	۰/۵۹۵
بیکاری روستاییان	۴/۱۱	۰/۹۲۴	۰/۸۵۴
عدم بهبود وضعیت اقتصادی مردم در صورت مشارکت	۳/۷۰	۱/۴۵	۱/۳۱۰
عدم وجود منافع مشترک اقتصادی میان مردم روستا	۳/۲۷	۰/۹۴۰	۰/۸۸۳
عدم برنامه ریزی مناسب جهت توسعه اقتصادی روستاها	۳/۷۹	۰/۹۸۰	۰/۹۶۱

### بحث و نتیجه گیری

یافته های تحقیق نشان داد که میزان مشارکت روستاییان در اداره امور اقتصادی روستا، مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی و محلی، مشارکت در حل مشکلات اقتصادی روستا، مشارکت در اجرای طرح های اقتصادی روستا و ارائه پیشنهاد به مدیران اقتصادی، از عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی می باشند که با تحقیق (Dorner, 2000) هم خوانی دارد که عوامل اقتصادی را در توسعه مدیریت تاثیر گذار می دانست و عوامل اقتصادی موثر در توسعه مدیریتی را، بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر ضروری است معرفی نمود و بیان

داشت که تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه مدیریت همراه است. همچنین موانع اقتصادی تاثیر گذار بر مشارکت روستاییان در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی نیز در این تحقیق کمبود درآمد روستاییان، بیکاری روستاییان، عدم بهبود وضعیت اقتصادی مردم در صورت مشارکت، عدم وجود منافع مشترک اقتصادی میان مردم روستا و عدم برنامه ریزی مناسب جهت توسعه اقتصادی روستاها معرفی شدند که با تحقیق (Al. Ahmad, 1996)، که اعلام نموده بود تجارب کاری متعدد با روستاییان مبین اهمیت مشارکت روستاییان در مدیریت و برنامه ریزی برای روستا است و توفیق در انجام کاری بدون مشارکت و لحاظ کردن نظرات آنان، هرگز به طور نهایی و کامل تحقق نیافته است هم خوانی دارد. در واقع با افزایش میزان درآمد، سطح سواد و سن روستاییان، سطح مشارکت روستاییان در مدیریت مشارکتی روستایی افزایش پیدا کرده و روستاییانی که به مطالعه کتاب پرداخته و از حقوق شهروندی و مزایای مشارکت مطلع باشند، سطح مشارکت بالایی در فرایند توسعه مدیریت مشارکت روستایی را خواهند داشت. در انتها و به منظور مشارکت بیشتر روستاییان و توجه به عوامل اقتصادی در توسعه مدیریت مشارکتی روستایی پیشنهادات زیر ارائه می شود:

۱. توجه به اقتصاد و آداب و رسوم و فرهنگ مردم روستاها.
۲. بالا بردن سطح آگاهی روستاییان از طریق برگزاری کلاس های آموزشی و تمرکز بر آموزش گروهی.
۳. تشویق فعالیت های جمعی و گروهی در روستا.
۴. بالا بردن اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به امور اقتصادی دولت.
۵. جلب نظرات مردمی در اجرای کلیه طرح های روستایی و طرح های مرتبط با روستا همانند طرح های هادی و ساماندهی.
۶. تشکیل جلسات هماهنگی اجرای طرح های اقتصادی در روستا.
۷. تجدید نظر در قوانین، مقررات، ضوابط حاکم بر نظام مدیریت روستایی در جهت ایجاد هماهنگی لازم و جامع نگری.
۸. حمایت مالی و اقتصادی و اعتباری بیشتر دولت از شوراها و دهیاری های روستا.

## مراجع

۱. آسایش، حسین. قنبری، نوذر (۱۳۸۷)، «مدیریت روستایی در ایران (اصول، مبانی و مفاهیم کاربردی)»، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
۲. افتخاری، عبدالرضا. سجاسی قیداری، حمدالله. عینالی، جمشید (۱۳۸۶)، «نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تاثیر گذار»، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
۳. بدری، سیدعلی. موسوی، سید عارف (۱۳۸۸)، «مدیریت نوین روستایی»، انتشارات فرهنگی اشتیاق نور.
۴. پیران، پرویز (۱۳۸۷)، «شورای روستا و شهر»، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی و مطبوعات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور.
۵. رحیم زاده، معصومه. انزایی، الهه (۱۳۹۱)، «بررسی عملکرد مدیریت جدید روستایی در توسعه روستایی، نمونه مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان هشتگرد».
۶. رحیمی، منیژه (۱۳۹۱)، «ارزیابی و تحلیل تجارب مدیریت روستایی».
۷. رضاییان، علی (۱۳۸۵)، «مبانی سازمان مدیریت، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران».
۸. رضوانی، محمد رضا (۱۳۸۳)، «مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران»، نشر قومس، چاپ اول، تهران.
۹. عبداللهیان، حمید. شریعتی، شیما. شوشتری زاده، الهام (۱۳۸۵)، «اندازه گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران براساس عوامل تأثیر گذار بر فرآیند مدیریت در روستاهای ایران»، فصلنامه مدرس.
۱۰. لطیفه، ناهید. آزمون، رخساره (۱۳۹۱)، «جایگاه مدیریت نوین روستایی در برنامه های توسعه، مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهریار».



۱۱. مرادی، خدیجه. آگهی، حسین (۱۳۹۳)، «واکاوی چالش های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی»، جغرافیا و توسعه شماره ۳۴، صص ۱۸۱-۱۶۷.
۱۲. نیک نامی، مهرداد. بندرز، زینب. ثمری، داود (۱۳۹۰)، «توسعه اقتصادی با تأکید بر سامان دهی فعالیت های شغلی در تعاونی ها»، مطالعه موردی: استان ایلام.
13. Al. Ahmad, Human. (1996). *Public and social participation in rural INDONESIA*.
14. Dorner, Peater. (2000) *Evaluating the Effects of Information Technology on Problem-Oriented Policing*, Evaluation Review, 26.
15. Escap. (2002). *Critical Factors of men Entrepreneurship Development in Rural Bangladesh*, BDR. BDRWPS 5, Pp. 1-16.
16. Robert G. Chambers. (1999). *Multi\_Theoretical Approach. Kansas State University*. Manhattan. Kansas